

همیشه‌ها

صفحه آخر

میان عاشق و معشوق فرق بسیار است
چو بار ناز نماید، شمایاناز کنید

حافظ

■ حضرت امیر المؤمنین علی؛ کسی که پیش از آماش، اطمینان به چیزی پیدا کند، پشیمان شود.

■ اذان ظهر: ۱۳:۰۹ ■ غروب آفتاب: ۲۰:۲۴
■ اذان مغرب: ۲۰:۴۵ ■ نیمه شب-شروع: ۰۰:۱۶
■ اذان صبح: ۴:۰۸ ■ طلوع آفتاب: ۵:۵۴

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیرمسئول: عبدال.. گنجی
■ سردبیر: دانیال معمار

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال فریضی، شماره ۱۲
■ کدپستی: ۹۵۹۵۶-۱۹۶۶۶
■ شماره ثبت: ۱۹۳۹۵۵۴۴
■ تلفن: ۰۲۲-۲۳۲۰۰۰، ۲۳۲۰۴۰۶۷

■ چاپ: مهری
■ تلفن: ۰۲۱-۷۵۰۰۰۰
■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز
■ تلفن: ۰۲۱-۹۳۳۲۰۰۰

■ سازمان آگهی ها و نیازمندی ها: خیابان قائم مقام فراهانی، میدان شاع، خیابان شهید دزری شماره ۲۹- طبقه اول ■ تلفن: ۰۲۲-۸۴۳۲۱۷۰-۸۸۶۱۸۱۹



قانون بازدارنده



سید محمدرضا واحدی
کارشناس فرهنگی

شاید تصور نشود اگر هر کسی به وظیفه خودش در چارچوب قانون عمل کند، همه امور به نحو احسن اداره می‌شود و جامعه به وضع مطلوب می‌رسد. البته که رعایت قانون و حرکت در چارچوب آن بسیار عالی است، اما اگر به دقت نگاه کنیم، خواهیم دید که عمل کردن به قانون و اکتفا به شرح وظایف سازمانی، تنها راه رسیدن به کمال در یک جامعه نیست. چه آنکه خیلی وقت‌ها این ترک فعل‌ها هستند که موجب درجا زدن جامعه و حتی عقبگرد و انحطاط آن می‌شود. سلسب مسئولیت از خود و اکتفا کردن به این جمله که: «در قانون این گونه است» و «قانون به ما این اجازه را نمی‌دهد» یا «برای این مورد قانونی پیش‌بینی نشده است» تنها یک رفع تکلیف است؛ نه عمل به وظایف ماهوی و ذاتی مدیران و مسئولانی که مسئولیتی به‌عهده دارند. بخشی از قوانین موضوعه، مصوب دهه‌های قبل است و چندان به روز نشده و گاه در صورت جاری ادارات و سازمان‌ها جوابگو نیست و برخی موارد فاقد کارایی است.

اتفاقاً هفته پیش مقام معظم رهبری در دیدار با کارکنان قوه قضاییه رهنمودی در همین راستا داشتند: «غالباً ضابطین به ما شکایت می‌کنند مگر، که مثلاً ما وقتی اعتراض می‌کنیم که چرا فلان مورد را برخورد نکردید، می‌گویند ما برخورد کردیم، دادیم به قوه قضاییه، قوه قضاییه رها کرد. از قوه قضاییه می‌برسیم چرا؟ می‌گویند قانون نداشتیم. خوب اگر قانون ندارید، قانون را چه کسی باید فراهم کند؟ شما باید فراهم کنید دیگر. لایحه درست کنید، تنظیم کنید، بدهید به مجلس تصویب کند برایتان.»

مثلاً امروزه موضوع سرقت یکی از موضوعات اساسی کشور است که برابر آمارهای رسمی رشدی فزاینده داشته و طی پیش‌پندرزگش تا درس‌های مقدماتی را با نظارت و یاد بگیرد. بعد هم رفت دارالفنون تا درش را ادامه بدهد. دوره دارالفنون که تمام شد در دانشگاه تهران و در رشته ادبیات اسم نوشت. سسال ۱۳۲۱ وقتی که سیکل و دیپلم جزو تحصیلات عالی به حساب می‌آمد، دکترایش را گرفت. او به انگلیسی، عربی، آلمانی و فرانسه مسلط و زبان اوستایی، فارسی باستان و حتی بعضی لهجه‌های محلی را هم خوب بلد بود.

۲۲جلد کتاب تالیف کرد. مجموعه ۶جلدی از رنگ فرهنگنامه‌اش هم امروز در بسیاری از کتابخانه‌ها دیده می‌شود. علاوه بر همه اینها، عضو چندین سمینار جهانی، بین‌المللی و فرهنگستان ایران هم بود. به دهخدا کمک کرد فرهنگ لغت را بنویسد و بعد از فوت او، فیش‌های چاپ نشده‌اش را تنظیم کرد. معین در کنار دهخدا جزو کسانی است که تا ابد نامشان با زبان و فرهنگ این مملکت عجین شده است.

تقویم / سالمرگ

معین؛ آقای فرهنگ



اونمونه کسی است که جسمش توانایی تحمل جنب و جوش روح و فکرش را نداشت. آن قدر کار کرد تا آخر کف زمین اتاق گروه ادبیات و زبان فارسی افتاد و بیپوش شد. این اتفاق آذر ۱۳۴۵ افتاد. او را به بیمارستان آریا در بلوار کشاورز رساندند. در آنجا به اغما رفت. ۱۴مرداد سال بعد در همان حال به کانادا منتقل شد. نتیجه‌اش نداشت. ۲ ماه بعد برش گرداندند. این بار بیمارستان فیروزگر پذیرای «محمد معین» شد و این دوره ۴سال طول کشید. قبل از این اغما همه از فعالیت‌های شبانه‌روزی‌اش به ستوه آمده بودند، ولی حالا همان‌ها منتظر بودند تا او برگردد. این دفعه انتظار طولانی نتیجه نداد و دکتر محمد معین، ۱۳ تیر ۱۳۵۰ در همان بیمارستان فیروزگر درگذشت.

مردی که یک عمر همینطوری با اراده و تلاش و حشمتناک و فوق تصور ما زندگی کرد. توی عساکری پدر و مادرش را از دست داد و رفت پیش پدربزرگش تا درس‌های مقدماتی را با نظارت و یاد بگیرد. بعد هم رفت دارالفنون تا درش را ادامه بدهد. دوره دارالفنون که تمام شد در دانشگاه تهران و در رشته ادبیات اسم نوشت. سسال ۱۳۲۱ وقتی که سیکل و دیپلم جزو تحصیلات عالی به حساب می‌آمد، دکترایش را گرفت. او به انگلیسی، عربی، آلمانی و فرانسه مسلط و زبان اوستایی، فارسی باستان و حتی بعضی لهجه‌های محلی را هم خوب بلد بود.

۲۲جلد کتاب تالیف کرد. مجموعه ۶جلدی از رنگ فرهنگنامه‌اش هم امروز در بسیاری از کتابخانه‌ها دیده می‌شود. علاوه بر همه اینها، عضو چندین سمینار جهانی، بین‌المللی و فرهنگستان ایران هم بود. به دهخدا کمک کرد فرهنگ لغت را بنویسد و بعد از فوت او، فیش‌های چاپ نشده‌اش را تنظیم کرد. معین در کنار دهخدا جزو کسانی است که تا ابد نامشان با زبان و فرهنگ این مملکت عجین شده است.



دیو دلبر

میثم غلام‌پور
ایران شناس

در روزگاری که هنوز ساختمان‌های بلند، دیدن دماوند را برای اهالی تهران سخت نکرده بود، این کوه را «تنها زیبایی پایتخت» خطاب کرده‌اند.

برای ایرانی‌ها اما دماوند فقط کوهی با زیبایی و شکوهی منحصر به فرد نیست. جذایب‌هایش بیشتر از این حرف‌هاست و ریشه‌اش به صدها و حتی هزاران سال پیش برمی‌گردد؛ این را ابدیات و تاریخمان می‌گوید. آتشفشانی بودن دماوند و بخارها و صداهایی که به همین علت از آن بلند می‌شود، ارتفاع بلند و سختی

«برازنده و چشم‌نواز از هر سو که بنگری»، این معنای اصطلاحی ژاپنی است که حدود ۹۰ سال پیش، وزیر مختار ژاپن در ایران با دیدن قله دماوند به ذهنش آمد. آکی‌سو کاواما که ژبایی دماوند مسحور شده بود، در سفرنامه‌اش می‌نویسد این اصطلاح ژاپنی را اصلاً انگار در وصف این کوه گفته‌اند. کاواما البته فقط یکی از غیرایرانی‌هایی است که زیبایی دماوند چشمشمان را گرفته و می‌توان سیاه‌های بلندبالا تهیه کرد از سیاحان فرنگی که شرح شیفتگی‌شان به این قله را روی کاغذ آورده‌اند؛ سیاحانی که خیلی‌هایشان

شیرجه در تعطیلات - چشمه علی شهری ■ عکس: امیر رستمی

اول آخر



تغییر قانون سقط جنین در آلمان



برلین: درحالی‌که در آمریکا قوانین جدید به سمت مخالفان سقط جنین چرخش دارد در آلمان این قوانین دقیقاً مسیر خلاف آن را طی می‌کند. برای نمونه قانونگذاران آلمانی به لغو ممنوعیت تبلیغات سقط جنین در این کشور رأی دادند که تاریخ تدوین آن به دوران حکومت نازی برمی‌گشت. پس از به‌دست گرفتن کامل قدرت توسط آدولف هیتلر به تصویب رسیده بود. وزیر دادگستری فعلی آلمان آن را «پوچ» و متعلق به «زمانی دیگر» توصیف کرده و خواستار لغو آن شد. این قانون، پیش‌تر زمینه پیگرد کیفری شماری از پزشکان را به دلیل ارائه اطلاعات مرتبط با روش‌های سقط جنین به بیماران فراهم کرده بود. در رای‌گیری پارلمان، احزاب دولتی و حزب چپ به لغو این محدودیت رأی دادند؛ درحالی‌که حزب راست میانه «دمکرات مسیحی» و راست افراطی «آلترناتیو برای آلمان» - به رف این ممنوعیت رأی منفی دادند.

سیاسی شدن الماس‌های روسیه



مسکو: مقام‌های دولتی روسیه می‌گویند فرایند اعتبارسنجی الماس‌های روسی نباید «سیاسی» شود. به گفته مقام‌های وزارت دارایی روسیه، مرکز «کیمرلی» (رسیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان جهانی الماس) زیر فشار شمار معدودی از کشورهای غربی، سیاست‌های جایبارانه‌ای را دنبال می‌کند. قصد دارد صنعت الماس روسیه را تحریم کند. مقام‌های دولتی روسیه، جنگ در اوکراین را عامل «سیاسی» شدن روند بررسی و اعتبارسنجی فرایند «کیمرلی» معرفی کردند. مرکز «کیمرلی» یک سازمان بین‌المللی متشکل از شماری از دولت‌ها و نهادهای دولتی خصوصی است. وظیفه اصلی مرکز «کیمرلی»، صدور گواهی‌نامه‌های معتبر بین‌المللی برای «الماس‌های پاک» یا الماس‌هایی است که در نتیجه درگیری‌های نظامی یا جرایم بین‌المللی به‌دست نیامده‌اند.

ضرر مالی ثروتمندان جهان



نیویورک: بلومبرگ در گزارشی نوشت که ثروت ایلان ماسک تقریباً ۶۲میلیارد دلار سقوط کرد، جف بزوس شاهد کاهش حدود ۶۳میلیارد دلاری ثروت خود بود و بیش از نصف ارزش خالص ثروت مارک زاکربرگ کاهش یافت. بنا بر این گزارش تحلیلی در مجموع، ۰۰۰۰۰۰۰۰ نفر از ثروتمندترین افراد جهان در نیمه اول سال ۲۰۲۲، ۱۰۴ میلیارد دلار از دست دادند؛ کاهش چشمگیر که شدیدترین افت شش‌ماهه ثروت میلیاردرهای جهان را نشان می‌دهد. این میزان کاهش ثروت، حتی از ۲ سال گذشته نیز شدیدتر است. در آن زمان، دولت‌ها و بانک‌های مرکزی اقدام‌هایی بی‌سابقه‌ای را در پی همه‌گیری کووید-۱۹ به اجرا گذاشتند و ارزش همه چیز از شرکت‌های فناوری گرفته تا ارزهای دیجیتال کاهش یافت. با توجه به اینکه سیاستگذاران اکنون ترخ‌های بهره را برای سهام‌داران به افزایش می‌دهند، برخی از پرفروش‌ترین سهام‌ها در حال سقوط هستند و میلیاردرهای صاحب آنها ضرر هنگفتی می‌کنند. شرکت تسلا بدترین سه‌ماهه خود را در ۳ماه گذشته به‌وژن داشته و شرکت آمازون بیشترین کاهش را تجربه می‌کند. این نوسانات عجیب بازار سرمایه بسیاری از تحلیلگران بازار را هم متعجب کرده است.

یادداشت‌های یک محکوم به آشپزخانه

مهم‌ترین سؤال تاریخ

شیدا اعتماد
به فرزندم گفتم: شام امشب با تو، با خوشحالی گفتم: حتماً. چون عموماً به‌خاطر ریخت و پاشی که توی آشپزخانه به بار می‌آورد از این جور پیشنهاده‌ها از من دریافت نمی‌کنند. بعد از چند دقیقه پرسید: «چی بیزم؟» جواب دادم که اگر می‌خواستم به «چی بیزم؟» فکر کنم خب خودم آشپزی می‌کردم، آشپزخانه‌ام هم منفرج نمی‌شد.

«چی بیزم؟» مهم‌ترین سؤال تاریخ است و قدمتی نامعلوم دارد. احتمالاً اجداد غارنشین‌مان به جای معضل «چی بیزم؟» معضل «چی بخورم؟» داشتند. اگر می‌وه‌ای اطراف غار گیرشان نمی‌آمد یا اینکه مردی با شکار به غار بر نمی‌گشت چیزی برای خوردن نداشتند. ما که نسخه مدرن شده آنها هستیم فقط موفق شده‌ایم که نوع سؤال را تغییر بدهیم.

ما دیگر وابسته به میوه‌ها و سبزیجات اطراف دایره کوچک اقامتی‌مان نیستیم. همه هم انبارهای کوچک خانگی داریم که حبوبات، برنج و ماکارونی را در حد مصرف چند روز در آنها ذخیره کرده‌ایم. اما هر چه از عمرمان می‌گذرد جواب دادن به سؤال «چی بیزم؟» برایمان سخت‌تر می‌شود. برای حل معضل «چی بیزم؟» ۲جهور راهکار داریم؛ راهکار خارجی و راهکار خانگی. راهکار خارجی مشورت گرفتن از اینترنت و دوستان است. کافی است فهرست غذاهای مناسب برای شام، فهرست غذای گیاهی یا گوشتی یا هر ترجیحی را که دارید جست‌وجو کنید اما بیشتر اوقات این روش کارآمد نیست؛ چون تطبیقی با روش زندگی، مواد غذایی که معمولاً می‌خرید و آماده دارید و ذائقه شما ندارد.

راهکار خانگی برای من به این شکل بود که به‌مدت ۲ماه هر چیزی را که برای شام و ناهار می‌بختم روی یک کاغذ نوشتم. بعد از ۲ماه فهرست غذاها را مرتب کردم و به یک فهرست خانگی دست پیدا کردم. فهرست خانگی باارزش است برای اینکه با شیوه زندگی شخصی هر کسی هماهنگی دارد. به‌هرحال این فهرست خانگی مدت‌هاست که به دیوار آشپزخانه چسبیده و خیلی وقت‌ها با یک نیم‌نگاه به آن سؤال «چی بیزم؟» جواب خودش را پیدا می‌کند؛ هر چند که گاهی ممکن است غذاها تکراری شوند و تنوع نداشته باشند.

می‌شود فهرست را بازنگه داشت و هر وقت غذای جدیدی در خانه درست شد و به ذائقه اهالی می‌خورد به فهرست اضافه کرد. مزیت داشتن فهرست خانگی قابلیت برنامه‌ریزی برای خرید است. برای اینکه سؤال خیلی جدی و قدیمی «چی بیزم؟» وقتی به‌مدت ۱۰سال و ۲۰سال هر روز و بعضی وقت‌ها روزی ۳-۲بار تکرار می‌شود فعالیت‌های عادی مغز را مختل می‌کند. برای حل این مسئله می‌شود هفته‌ای یک بار، برای کل هفته تصمیم‌گیری کرد و فهرست نوشت و مطابق با آن جلو رفت. فهرست روزانه و فهرست ماهانه هم می‌شود داشت. در نهایت اما حوصله مسئول آشپزی در خانه و مواد اولیه می‌تواند آن را تغییر بدهد. به‌هرحال آدمیزاد ماشین نیست و در یک روزی که گرم‌ا آمده تا شهر راحفه کند و آسمان خاکی است و خانه‌ای که به زحمت در آخر هفته سامان داده‌ای زیر یک لایه غبار مخفی شده، ممکن است دیگر حوصله‌ای برای درست کردن مسامبه‌ایجان یا میرزاقاسمی برایش نمانده باشد و پناه ببرد به حضاری، به نان و پنیر و ناجی تمام فصول نیمرو و رفیق شقیق‌اش املت.

بوک مارک

خیابان کاتالین

پدرم معلمی نظیر بنی بود. در کل دورانی که در مدرسه گذراندم، چه به‌عنوان شاگرد چه به‌عنوان عضو گروه آموزش، هرگز معلمی به اندازه او پرشور و حرارت ندیدم. اگر این حرفه قهرمانی داشته باشد، خود اوست. او صد برابر من مقتدر بود و خیلی خیلی شریف‌تر از من. من سخت‌کوش و بی‌عیب و تعلیم‌دیده و دقیق بودم، اما من در هر حرفه و موقعیت دیگری هم که می‌بودم اوضاع به همین مثال پیش می‌رفت. مدرسه برای پدرم نه محل کار بلکه پرستشگاه بود، نه منبع معاش بلکه سرچشمه شور و نشاط زندگی بود. وقت‌هایی که واقعیت‌های پیش‌یافتاده معیار بود با حقایق ستری گی که او آن جور با شور و حرارت بر آنها پای می‌افشاد با واقعیات زندگی موجب می‌شد که بدیهیات ساده و بی‌الایش او غلط از آب درآید - چون نه خروگوش داتا کم‌روست نه رویه لزوماً ماکر - کار دش می‌زدی خوشت در نمی‌آمد و بعدها، یعنی آن موقع که خودم معلم شدم، فهمیدم صبر و حوصله‌اش در زندگی خانوادگی از کجا می‌آید. آموزگار درونش همیشه گوش به‌زنگ بود. این آموزگار لذت می‌برد که بتواند چیزی مهم و اساسی را توی مغز مادرم فرو کند. مثلاً با تشویق او، درست همانطور که آدم بچه مدرسه‌ای‌های پایه ابتدایی را تشویق می‌کند، یاد او می‌شد که با کفشی که واکس نخورده از خانه بیرون نرود.

دیالوگ

تاریخ مجهول آمریکا

دنی: گمان می‌کنم الان وقتش باشه که بهتون بگم چی یاد گرفتم؛ نتیجه‌گیری من اینه که: نفرت مثل بار و بندیل سفر می‌مونه. واقعاً از زششو ندارم. درک می‌گفت که همیشه بهتره آخر مقاله رو با به نقل قول تموم کنیم. می‌گفت: قبلاً یکی حرف خیلی مهمی زده، پس آگه تونی تونی بهتر از اون حرف بزنی، ازش بسزد و محکم ترارش کن... پس من حرفای کسی رو انتخاب کردم که فکر شما دوستش دارید. «با دشمنان همدیگه نیستیم، ما دوستان همدیگه‌ایم. ما نباید با هم دیگه دشمنی کنیم. گرچه افراط و تعصیب شدید ادامه داشته باشه، اما ما نباید پیوند دوستی و مهربانی را بشکنیم...»



فراخوان

بی‌تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاه‌های

که می‌بینید، ما منتظریم تا نوشته‌های پتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌های پتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جانتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح تان که آماده شد یک تماش با شماره ۰۲۲-۲۳۶۳۲۶ بگیرد تا برای رساندنش به ما، راهتمایی تان کنیم.